



A Comparative Analysis of the United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities and Iran's Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities

Ghodratolah Noroozi^{1*}, Ali Abbasi²

1. Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

2. Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The objective of this article is a comparative analysis of the United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities, adopted in 2008, with Iran's Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities, originally passed in 2008 and revised in 2017.

Method: The research method used is a qualitative comparative study, and the information was gathered through library research.

Ethical Considerations: This article adheres strictly to ethical research principles, including scientific integrity, and respect for material and intellectual property rights.

Results: The research findings indicate that Iran's Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities shares both fundamental similarities and differences with the United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities in several areas, such as scope and objectives, legal framework, key provisions, implementation mechanisms, and international impacts.

Conclusion: The article concludes that although laws related to the rights of persons with disabilities have been enacted in Iran, they are minimal and significantly lag behind global standards in this area. The findings also highlight a deep gap between the legal framework and the practical implementation of the Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities, emphasizing that bridging this gap is crucial for advancing the rights and welfare of persons with disabilities in Iran.

Keywords: Convention on the Rights of Persons with Disabilities; Disability Rights; United Nations; Disability

Corresponding Author: Ghodratolah Noroozi; **Email:** gh.noroozi@ase.ui.ac.ir

Received: April 15, 2024; **Accepted:** October 17, 2024; **Published Online:** March 06, 2025

Please cite this article as:

Noroozi GH, Abbasi A. A Comparative Analysis of the United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities and Iran's Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities. *Medical Law Journal*. 2024; 18: e45.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره هجدهم، ۱۴۰۳

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انستیتو اخلاق پزشکی و حقوق سلامت

تحلیل تطبیقی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل با قانون حمایت از

حقوق معلولان ایران

قدرت‌الله نوروزی^{*۱}، علی عباسی^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تحلیل تطبیقی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب سازمان ملل در سال ۲۰۰۸ با قانون حمایت از حقوق افراد دارای

معلولیت در ایران مصوب سال ۱۳۸۷ و بازنگری شده در سال ۱۳۹۶ است. هدف نویسندگان این مقاله بوده است.

روش: روش تحقیق پژوهش مقایسه‌ای از نوع کیفی است و شیوه گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای است.**ملاحظات اخلاقی:** این مقاله کاملاً به اصول اخلاقی پژوهش، از جمله امانتداری علمی، رعایت حقوق و اصول مالکیت مادی و معنوی پایبند بوده است.**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قانون حمایت از حقوق معلولان در ایران در موارد متعددی مانند دامنه و هدف، چهارچوب حقوقی، مفاد کلیدی، مکانیسم‌های اجرایی و تأثیرات بین‌المللی، با کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل دارای وجوه تشابه و تفاوت بنیادین است.**نتیجه‌گیری:** نتایج مقاله نشان می‌دهد که اگرچه قوانینی در رابطه با حقوق افراد دارای معلولیت در ایران به تصویب رسیده است، اما این قوانین به میزانی حداقلی است و با استانداردهای جهانی در این زمینه فاصله زیادی دارد. نتایج همچنین مؤید این مسأله است که بین چهارچوب قانونی و اجرای عملی قانون حمایت از حقوق معلولان شکاف عمیقی وجود دارد و رفع این شکاف برای اعتلای حقوق و رفاه افراد دارای معلولیت در ایران حیاتی است.**واژگان کلیدی:** کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت؛ حقوق معلولان؛ سازمان ملل؛ معلولیتنویسنده مسئول: قدرت‌الله نوروزی؛ پست الکترونیک: gh.noroozi@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Noroozi GH, Abbasi A. A Comparative Analysis of the United Nations Convention on the Rights of Persons with Disabilities and Iran's Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities. Medical Law Journal. 2024; 18: e45.

مقدمه

بر اساس ماده ۱ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، معلول به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا ترکیبی از آن‌ها، دچار اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآمدی عمومی شده و این وضعیت منجر به کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود. سه دیدگاه کلی در حمایت از حقوق معلولان وجود دارد که در اسناد بین‌المللی منعکس شده‌اند: ۱- دیدگاه رفاه اجتماعی: بر اساس این دیدگاه دولت باید برای معلولان امتیازات ویژه‌ای فراهم کند تا آن‌ها از وضعیت رفاهی، اقتصادی و اجتماعی مطلوبی برخوردار شوند. این دیدگاه در دهه ۷۰ میلادی محبوبیت داشت و در اعلامیه حقوق معلولان مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ منعکس شد؛ ۲- دیدگاه برابرسازی فرصت‌ها: بر اساس این دیدگاه دولت‌ها باید اقدامات لازم را برای برخورداری افراد معلول از فرصت‌های برابر با دیگران انجام دهند و در صورت نیاز سیاست‌های ترجیحی اتخاذ کنند. این دیدگاه در مجموعه قواعد استاندارد مربوط به برابرسازی فرصت‌ها در سال ۱۹۹۳ تأثیرگذار بود؛ ۳- نگرش حقوق بشری: مطابق این دیدگاه حقوق معلولان به عنوان بخشی از نظام کلی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. این دیدگاه در کنوانسیون بین‌المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت که در سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد، منعکس شده است.

تاریخچه توجه به حقوق معلولان به اواسط قرن بیستم بازمی‌گردد، زمانی که به دلیل وضعیت جانبازان جنگ‌های جهانی، توجه به توان‌بخشی و حقوق معلولان افزایش یافت. از جمله قوانین کلیدی در این زمینه، قانون توان‌بخشی ۱۹۷۳ و قانون آموزش برای تمام کودکان معلول در سال ۱۹۷۵ در ایالات متحده بود. سازمان ملل نیز پیشگام در حمایت از حقوق معلولان بوده و اعلامیه‌های مختلفی در این زمینه تصویب کرده است، از جمله اعلامیه ۱۹۷۵ و کنوانسیون حقوق معلولان در سال ۲۰۰۷. در ایران نیز قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ و پیوستن به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۱۳۸۷ نشان از توجه به

این مسأله دارد. پژوهش حاضر به مقایسه تطبیقی مفاد قانون حمایت از معلولان در ایران و کنوانسیون حقوق معلولان سازمان ملل پرداخته و وجوه تشابه و تفاوت آن‌ها را بررسی می‌کند تا میزان تطابق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی را مشخص کند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که مفاد قانون حمایت از معلولان در ایران تا چه اندازه متأثر از مفاد کنوانسیون حقوق معلولان سازمان ملل است؟ به عبارت دیگر این دو سند حقوقی چه وجوه تشابه و تفاوتی با یکدیگر دارند؟ و اساساً قانون حمایت از معلولان در ایران تا چه اندازه با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارد؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش مقایسه‌ای به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است.

۱. پیشینه پژوهش: پیش از آغاز بحث اصلی ضروری است که پیشینه پژوهش اعم از داخلی و خارجی به طور مختصر مورد بررسی قرار گیرد تا وجه تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین و همچنین وجه نوآورانه آن کاملاً مشخص گردد. بر این اساس، به چند نمونه از جدیدترین پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع اشاره می‌شود.

موسی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «تبعیض مثبت به مثابه مبنای حمایتی برای تضمین حقوق افراد دارای معلولیت؛ بررسی تطبیقی اقدامات داخلی و بین‌المللی» به بررسی این مسأله پرداخته است که تبعیض مثبت به عنوان مبنای حمایتی، چه آثار و پیامدهایی در تضمین و حمایت از حقوق معلولان در نظام داخلی و بین‌المللی دارد؟ وی در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که تبعیض مثبت به دلیل برخورداری از جایگاه عقلانی و فطری، مشروعیت بخش و عامل مهم شناسایی حقوق حمایتی برای افراد دارای معلولیت می‌باشد (۱).

نوری، تدین و یوسفیان در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به حق سلامت و حقوق ویژه اقشار خاص در حوزه بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر معلولین و افراد کم‌توان آسیب‌پذیر» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای افراد معلول و کم‌توان نسبت به دیگر غیر نظامیان حقوق ویژه‌ای در نظر گرفته است؟ نتایج تحقیق

چند موضوع، پدیده یا وضعیت است که بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها، اطلاعات به دست‌آمده را با یکدیگر مقایسه می‌کند. این روش می‌تواند در مطالعات مختلف اجتماعی، علمی و پژوهشی به کار رود. روش مقایسه‌ای دارای انواع مختلف است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از کیفی، کمی، تاریخی و مکانی.

در روش مقایسه کیفی، داده‌ها به صورت توصیفی و غیر عددی جمع‌آوری می‌شوند که شامل مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها، گفتارها، متون و سایر منابع غیر عددی است. محققان در این روش معمولاً از روش‌های تحلیل محتوا، تحلیل مضمون و تحلیل مطالعه موردی برای تحلیل داده‌ها و استنباط نتایج استفاده می‌کنند. این روش به محققان امکان می‌دهد تا درک عمیقی از موضوع و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود را به دست آورند (۵).

در روش مقایسه کمی، داده‌ها به صورت عددی و قابل اندازه‌گیری جمع‌آوری می‌شوند که شامل پرسشنامه‌ها، سؤالات بسته، آزمون‌ها و داده‌های آماری است. محققان در این روش از روش‌های آماری مانند آزمون t، آنالیز واریانس، رگرسیون برای تحلیل داده‌ها و استنباط نتایج استفاده می‌کنند. این روش به محققان امکان می‌دهد تا ارتباطات و تأثیرات عددی بین متغیرها را بررسی کنند (۵).

در روش مقایسه تاریخی، دو یا چند وضعیت یا پدیده در زمان‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. محققان معمولاً از تاریخچه و رویدادهای مختلف در دو یا چند زمان مختلف برای تحلیل تحولات و تغییرات استفاده می‌کنند. این روش به محققان امکان می‌دهد تا تحولات و تغییرات در طول زمان را بررسی کرده و عوامل مؤثر بر آن‌ها را شناسایی کنند. در روش مقایسه مکانی، دو یا چند موضوع یا پدیده در مکان‌های مختلف مورد مقایسه قرار می‌گیرد. محققان معمولاً از تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در مکان‌های مختلف برای شناسایی عوامل مؤثر بر آن‌ها استفاده می‌کنند. این روش به محققان امکان می‌دهد تا ارتباطات و الگوهای مکانی بین موضوعات مختلف را بررسی کنند (۶).

آن‌ها حاکی از آن است که چنین حقوقی که بتواند با توجه به محدودیت‌های این افراد نسبت به سایر غیر نظامیان درگیر در مخاصمات قوانین خاصی در نظر گرفته باشد، وجود ندارد (۲). حسین‌آبادی و پارسا در مقاله‌ای با عنوان «ضمانت اجرای مدنی حقوق افراد دارای معلولیت در حقوق ایران و ارائه الگوی مطلوب» پس از بررسی ضمانت اجرا حقوق افراد دارای معلولیت تلاش کرده‌اند تا الگویی مطلوب در این زمینه ارائه کنند. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که در بحث ضمانت اجرای مدنی باید بین مسئولیت دولت و نهادهای غیر دولتی تفاوت قائل شد و در مبحث مسئولیت دولت باید میان مسئولیت دولت و کارمندان دولت نیز تفکیک قائل شد (۳).

در رابطه با پیشینه پژوهش در منابع خارجی، نتایج جستجوهای نگارندگان حاکی از عدم دستیابی به مقالات علمی معتبر و مرتبط با پژوهش حاضر است. اگرچه منابعی در رابطه با کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت وجود دارد، اما منابع مرتبط با موضوع پژوهش حاضر یافت نشد. بنابراین، چنانکه جدیدترین مقالات علمی داخلی نشان می‌دهد، نه تنها هیچ‌گونه شباهت یا قرابتی میان پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین وجود ندارد، بلکه پژوهش حاضر از نظر عنوان و محتوا نیز با پژوهش‌های پیشین کاملاً متفاوت است و همین امر حاکی از جنبه نوآورانه پژوهش حاضر است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

روش مقایسه‌ای یکی از روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و علوم انسانی است که برای مقایسه دو یا چند موضوع، پدیده، وضعیت، گروه یا متغیر استفاده می‌شود. در این روش، اطلاعات و داده‌ها معمولاً جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر می‌شوند تا تفاوت‌ها و شباهت‌ها بین موضوعات مورد مقایسه بررسی شود (۴). روش مقایسه‌ای به معنای مقایسه و تحلیل دو یا

کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت با یک دیباچه نسبتاً طولانی در ۲۵ بند، ضمن تأکید بر حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در تلاش است معلولین را مورد حمایت خاص خود قرار دهد. بدین منظور در دیباچه کنوانسیون از یک طرف بر اصل غیر قابل تقسیم بودن و وابستگی متقابل حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ضرورت تضمین برخورداری اشخاص معلول بدون تبعیض و از طرف دیگر بر ضرورت ادغام اصل برابری جنسیتی در تمام تلاش‌های مربوط به ارتقا و برخورداری کامل اشخاص معلول از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند (۷). این کنوانسیون علاوه بر اصول کلی فوق اصول دیگری را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد که عبارتند از: احترام به کرامت انسانی، استقلال فردی، شامل آزادی انتخاب و عدم وابستگی اشخاص؛ عدم تبعیض؛ مشارکت و ادغام کامل و مؤثر در جامعه؛ احترام به تفاوت‌ها و پذیرش اشخاص معلول به عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشری؛ برابری فرصت‌ها و دسترسی؛ برابری بین مردان و زنان؛ رعایت پیشرفت توانایی‌های کودکان معلول و رعایت حقوق کودکان معلول برای حفظ هویت آن‌ها (۸).

اگرچه کنوانسیون بر حق برابر تمامی افراد معلول در برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی تأکید می‌کند، اما به نظر می‌رسد دو گروه از معلولین را بیشتر مورد توجه قرار داده است. این دو گروه عبارتند از: زنان و کودکان. شاید دلیل تأکید بیشتر کنوانسیون بر حقوق این گروه از معلولین آسیب‌پذیری بیشتر آن‌ها نسبت به سایر افراد و گروه‌های دارای معلولیت باشد. آسیب‌پذیری از گروه از افراد معلول از لحاظ تاریخی امری ثابت شده است، چراکه خشونت‌های خانگی علیه زنان نه تنها در گذشته رایج بوده، بلکه در حال حاضر نیز به ویژه در جوامع سنتی و کمتر توسعه‌یافته کم و بیش وجود دارد. علاوه بر این، موضوع جنیست و موقعیت سنی این گروه از افراد معلول و واقعیات اجتماعی جامعه بین‌المللی از طرف نیز توجه ویژه کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل را نسبت به حقوق زنان معلول تشدید کرده است. از حیث جنسیتی، زنان و دختران معلول در معرض خطرات فراوانی همچون تعرض به تمامیت

آنچه در روش مقایسه‌ای (صرف نظر از نوع آن) بسیار حائز اهمیت است و به عنوان یکی از اصول اساسی آن باید در پژوهش‌های مقایسه‌ای مد نظر قرار گیرد، مورد، سطح و متغیرهای مورد مقایسه است. به عبارت دیگر، برای اینکه یک پژوهش به عنوان مقایسه‌ای شناخته شود باید در درجه اول این اصل را رعایت کند. بر این اساس در پژوهش حاضر، مورد تحلیل دو سند حقوقی (یعنی کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون جامع حمایت از معلولان در ایران) است. سطوح تحلیل عبارتند از: دامنه و هدف، چهارچوب حقوقی، مفاد کلیدی، اجرا و پیاده‌سازی و در نهایت تأثیرات بین‌المللی. متغیرهای مورد مقایسه نیز در پژوهش حاضر عبارتند از: ملی و بین‌المللی (در سطح دامنه و هدف)، تعهدات قانونی و اجرای احکام، قابلیت کاربرد برای انواع مختلف معلولیت (برای سطح چهارچوب حقوقی)، عدم تبعیض، دسترس‌پذیری، حق تحصیل، حقوق استخدامی، مراقبت‌های بهداشتی و توان‌بخشی (برای سطح مفاد کلیدی)، مکانیسم‌های اجرایی، نظارت (برای سطح اجرا و پیاده‌سازی)، هنجارسازی، مسئولیت‌پذیری، همکاری و تبادل بین‌المللی، دیپلماسی و یادگیری (برای سطح تأثیرات بین‌المللی). در ادامه بر این اساس وجوه تشابه و تفاوت کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون جامع حمایت از معلولان در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم، اما پیش از آن معرفی مختصری از دو سند حقوقی مذکور ارائه می‌شود.

۱. کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت:

کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت است. این کنوانسیون توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ تصویب شد و در سال ۲۰۰۸ به تصویب کلیه کشورهای عضو سازمان ملل رسید. این کنوانسیون به عنوان اولین ابزار حقوق بشری که به طور خاص به افراد دارای معلولیت اختصاص داده شده است، اهداف و استانداردهایی را برای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تعیین می‌کند.

موانع کامل مشارکت برابر به عمل آورند. این کنوانسیون در بخش مربوط به افزایش آگاهی، ضمن اشاره بر نقش رسانه‌ها برای ارائه تصویر مثبت از معلولین، به تشویق شرکت‌های خصوصی به منظور گنجاندن مسائل مربوط به معلولین اشاره می‌کند (۱۰).

کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت اهمیت بسیار زیادی در سطح جهانی دارد و برای تمام کشورها و جوامع انسانی، یک راهنمای مهم برای تضمین حقوق و آزادی‌های افراد دارای معلولیت محسوب می‌شود. این کنوانسیون به عنوان یکی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، علاوه بر به تضمین حقوق اساسی و آزادی‌های افراد دارای معلولیت، مقرر می‌دارد که هیچ فردی به دلیل معلولیت خود نباید مورد تبعیض قرار گیرد و باید از حقوق مساوی با دیگران برخوردار باشد. این کنوانسیون همچنین به نگرش‌های مثبت فرهنگی و اجتماعی نسبت به افراد دارای معلولیت را با هدف پذیرش اجتماعی آن‌ها ترویج و اشاعه می‌دهد. ایجاد جامعه‌ای برابر و شکل‌گیری فرهنگی که همه افراد را برابر و با ارزش تلقی کند و از تبعیض علیه آن‌ها خودداری کند، از اهداف این کنوانسیون است.

بهبود وضعیت افراد دارای معلولیت از طریق اجرای این کنوانسیون می‌تواند به ایجاد توسعه پایدار در جامعه کمک کند. افراد دارای معلولیت نیروی کار عظیمی هستند که از طریق ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت آن‌ها در اقتصاد و جامعه، می‌توان فرآیند توسعه پایدار را پیش برد. به طور کلی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت اهمیت بسیاری در تضمین حقوق و آزادی‌های افراد دارای معلولیت دارد و می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار و تقویت حقوق بشر در سراسر جهان کمک کند.

۲. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان: قانون جامع حمایت از حقوق معلولان اولین بار در سال ۱۳۸۳ در مجلس تصویب شد و انتظار می‌رفت که با اجرای این قانون حقوق افراد دارای معلولیت تأمین شود، اما به دلیل اینکه این قانون مصوب به صورت طرح توسط نمایندگان ارائه شده و منابع مالی

جسمانی، خشونت خانگی و سوءاستفاده و خشونت‌های جنسی در خارج خانواده قرار می‌گیرند. این مسأله در مورد کودکان نیز تا حدودی صادق است، علاوه بر این، نابالغ بودن کودکان دارای معلولیت نیز زندگی اجتماعی آن‌ها را نه تنها دشوار، بلکه تا حد زیادی مخاطره‌آمیز می‌کند. به همین جهت کنوانسیون مواد ۶ و ۷ خود را به این افراد اختصاص داده است.

ماده ۶ کنوانسیون زیر عنوان زنان معلول مقرر می‌دارد: «۱- دول عضو باید زنان و دختران معلول در معرض تبعیض‌های مختلف را شناسایی کنند و از این نظر تدابیری را جهت حصول اطمینان از برخورداری کامل آنان در شرایط برابر از تمام حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین را اتخاذ کنند؛ ۲- دول عضو تمام تدابیر مناسب برای تضمین شکوفایی کامل، ارتقا و توانمندسازی زنان به منظور تضمین اجرا و بهره‌مندی از حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین اعلام شده در این کنوانسیون را اتخاذ کنند. در ماده ۷ کنوانسیون زیر عنوان کودکان معلول تصریح می‌کند که «۱- دولت‌های عضو تمام تدابیر لازم برای تضمین بهره‌مندی کامل کودکان معلول از تمام حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین بر اساس برابری با سایر کودکان را اتخاذ کنند؛ ۲- در تمام تصمیمات مربوط به کودکان، منافع عالی‌ه کودک باید از ملاحظات اصلی و مهم باشد؛ ۳- دولت‌های عضو برای کودکان معلول بر اساس برابری با سایر کودکان، حق ابراز آزادانه عقیده در مورد هر موضوع مورد علاقه کودک معلول را تضمین کنند و نظرات کودک با توجه به سن و درجه بلوغش مورد توجه قرار گیرد و مطابق با معلولیت و ملاحظات سنی کمک لازم برای اجرای این حق به عمل آید (۹).

همچنین داشتن شغل و فرصت برابر توسط معلولین، افزایش آگاهی مردم و معلولین از حقوق، نیازها، توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه معلولین از دیگر اصول اساسی این کنوانسیون است. بر این اساس دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که برنامه‌ها و خدمات موجود برای معلولین به اطلاع عموم مردم، از جمله معلولین برسد و اقدامات تبلیغی برای این کار به منظور ترویج برابری حقوق و وظایف معلولین و حذف

ارائه خدمات مکفی توان‌بخشی؛ ایجاد سازوکار صندوق فرصت‌های شغلی؛ دسترسی به آموزش تا سطوح عالی؛ ارتقای آگاهی عمومی یا به عبارت دقیق‌تر فرهنگ‌سازی؛ استیفای حقوق مدنی و تشکیل شورای عالی معلولان (۱۳).

در قانون جدید حمایت از حقوق معلولان دو نکته مهم قابل ذکر وجود دارد: نکته اول مربوط به سطح‌بندی معلولان در قانون است. سطح‌بندی معلولان برخلاف سایر گروه‌ها مانند جانبازان که درصد به درصد انجام می‌شود، تنها در چهار سطح خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید انجام شده است. این سطح‌بندی در حالی است که در تبصره ۲ ماده ۵ این قانون عنوانی از افراد دارای معلولیت خیلی شدید به میان نیامده است، اگرچه این غفلت به معنی عدم برخورداری معلولین درجه خیلی شدید از امتیازات این تبصره مذکور نیست، اما یکی از نواقص مهم این قانون است؛ نکته دوم مربوط به استخدام و اشتغال افراد دارای معلولیت است، اگرچه در مواد ۱۱، ۱۵ و ۲۷ این قانون، تسهیلاتی برای اشتغال معلولان در نظر گرفته شده است، اما این مواد قانونی هر کدام به دلایلی تاکنون اجرا نشده است (۱۴).

قانون حمایت از حقوق معلولان در ایران که در سال ۱۳۹۷ تصویب شد، با هدف همسویی با استانداردهای بین‌المللی مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت انجام شد. با این حال، اجرای آن شکاف‌های قابل توجهی را به ویژه در دسترسی و ارائه خدمات آشکار کرده است. از مهم‌ترین شکاف‌های بین چهارچوب قانونی و اجرای عملی آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

خدمات حمل و نقل ناکافی: قانون ایجاد سیستم‌های حمل و نقل مناسب برای افراد دارای معلولیت شدید را الزامی می‌کند، اما اجرای واقعی خدمات حمل و نقل قابل دسترس کماکان وجود ندارد و به طور مؤثر نیازهای جامعه معلولان را برآورده نمی‌کند.

دسترسی محدود به امکانات ورزشی: در حالی که قانون دسترسی رایگان به امکانات ورزشی دولتی را برای افراد دارای معلولیت پیش‌بینی کرده است، اما در اجرای مداوم این ماده

اجرای آن نیز تأمین نشده بود، اجرای آن برای دولت الزام‌آور نبود. علاوه بر اینکه این تمام دربرگیرنده تمام حقوق معلولان نبود. بنابراین به دلیل اینکه این قانون از یک طرف فاقد منابع مالی بود و از طرف دیگر قانون جامعی نبود و اهداف مورد نظر را برآورده نمی‌کرد، مورد بازنگری قرار گرفت. در این قانون به طور ناقص و غیر عمل‌گرایانه تضمین برخی از حقوق برای معلولان پیش‌بینی شده است که از آن جمله می‌توان به مناسب‌سازی محیط، اشتغال معلولان و اعطای برخی تسهیلات اشاره کرد. به طور کلی مهم‌ترین اهداف و مواد این قانون عبارتند بودند از: تضمین حقوق معلولان به عنوان شهروندان با حقوق کامل؛ ایجاد فرصت‌های برابر برای معلولان در زمینه‌های تحصیلی، اشتغال، و مشارکت در امور اجتماعی؛ تسهیل در دسترسی معلولان به خدمات و تسهیلات مختلف در جامعه؛ تشویق به ایجاد فرهنگی مثبت و بدون تبعیض نسبت به معلولان؛ ارتقای کیفیت زندگی و رفاه معلولان (۱۱).

یکی از نقاط ضعف قانون جامع حمایت از حقوق معلولان عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی لازم، برای تضمین اجرای مقررات قانونگذاری است. همچنین در هیچ کدام از متون موجود در کشور ایران تبعیض بر اساس معلولیت منع نشده است (۱۲).
نقص‌ها و انتقادات وارده بر قانون حمایت از معلولان که در سال ۱۳۸۶ تصویب شده بود، باعث شد تا روند بازنگری و اصلاح این قانون از اواخر سال ۱۳۹۰ آغاز شود و لایحه‌ای از سوی هیأت دولت به مجلس ارسال شد که در نهایت در اسفند ۱۳۹۴ این لایحه به قانون تبدیل شد و پس از تصویب برای شورای نگهبان ارسال شد که پس از رفت و برگشت بین مجلس و شورای نگهبان نهایتاً در آذرماه ۱۳۹۶ به تأیید هر دو مرجع قانونگذاری رسید. بنابراین آنچه در حال حاضر در زمینه حقوق معلولان در کشور به عنوان قانون معتبر و محل رجوع است، قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ است که قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ را نسخ کرده است. نواقصی که زمینه‌ساز پیشنهاد لایحه اصلاحیه قانون حمایت از معلولان مصوب سال ۱۳۸۶ شده بود و در این اصلاحیه جدید بر رفع آن‌ها تأکید شد، عبارت بودند از: سیاستگذاری در حوزه مناسب‌سازی به منظور توانمندسازی؛

چالش‌هایی وجود داشته است. این شکاف تفاوت بین قصد قانون و کاربرد عملی آن را برجسته می‌کند.

اختلاف در توانمندسازی و ادغام: رویکرد قانون به توانمندسازی و ادغام افراد دارای معلولیت، به ویژه در زمینه آموزش و اشتغال، کمتر از آنچه در نظر گرفته شده، مؤثر بوده است. تمرکز بیشتر بر روی اقدامات حفاظتی بوده است تا توانمندسازی و استقلال افراد دارای معلولیت (۱۵).

رویکرد حمایتی در مقابل توانمندسازی: قانون اساساً منعکس‌کننده یک رویکرد حمایتی است که اگرچه سودمند است، اما به طور کامل از توانمندسازی، استقلال و ادغام اجتماعی افراد دارای معلولیت همانطور که در استانداردهای بین‌المللی ذکر شده است، حمایت نمی‌کند (۱۵).

قانون حمایت از معلولان علیرغم انتقادات وارده و نحوه اجرای آن، از جنبه‌های مختلف بسیار حائز اهمیت است. نخستین جنبه حائز اهمیت این قانون تضمین حقوق اساسی برای افراد دارای معلولیت است. این قانون به طور رسمی تضمین می‌کند که حقوق اساسی افراد دارای معلولیت، همچون حق به تحصیل، کار، سلامت و مشارکت در زندگی اجتماعی، تضمین می‌شود. این امر برای تضمین اجتماعی و حقوق بشری معلولان بسیار حیاتی است؛ دومین جنبه حائز اهمیت آن مبارزه با تبعیض است. این قانون تلاش می‌کند تا با کاهش تبعیض علیه معلولان و ارائه فرصت‌های برابر برای آن‌ها در جامعه ایران از تبعیض علیه افراد دارای معلولیت جلوگیری کند. این قانون همچنین از جنبه توسعه اجتماعی نیز حائز اهمیت است، چراکه حمایت از حقوق معلولان باعث ایجاد یک جامعه پویا، فراگیر و عادلانه می‌شود. توانمندسازی افراد دارای معلولیت از دیگر جنبه‌های حائز اهمیت قانون حمایت از معلولان است. این قانون منجر به ارتقای وضعیت و توانمندسازی معلولان می‌شود و با فراهم کردن فرصت‌های برابر و ارائه تسهیلات لازم برای این افراد آن‌ها را قادر می‌سازد که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه یابند.

۳. مقایسه کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون حمایت از معلولان در

ایران: در این بخش از پژوهش بر اساس آنچه که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شد، وجوه تشابه و تفاوت کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون حمایت از معلولان در ایران در چند سطح و با متغیرهای مختلف مورد بررسی مقایسه‌ای قرار می‌دهیم. بحث در این زمینه را با دامنه و هدف دو سند حقوقی مذکور آغاز می‌کنیم. اولین وجه تفاوت دو سند حقوقی مذکور دامنه آن‌ها است، در حالی که دامنه کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل، جهانی است، اما دامنه قانون حمایت از معلولان در ایران ملی است. به عبارت دقیق‌تر، دامنه اولی بین‌المللی و دامنه دومی داخلی است. کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل یک معاهده بین‌المللی است که توسط کشورهای متعددی در سراسر جهان تصویب شده است و به همین دلیل اصول و استانداردهای گسترده‌ای را تعیین می‌کند که در سطح جهانی تمام کشورهای امضاکننده این کنوانسیون ملزم به رعایت و اجرای آن‌ها هستند. در مقابل، قانون حمایت معلولان در ایران مختص بافت ملی ایران است. به عبارت دیگر، اگرچه ممکن است این قانون از کنوانسیون‌ها و استانداردهای بین‌المللی الهام و نشأت گرفته باشد، اما کاربرد مستقیم قانونی آن محدود به قلمرو ایران است. اگرچه دامنه کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل با دامنه قانون حمایت از معلولان در ایران متفاوت است، اما هدف هر دو آن‌ها مشترک است. به عبارت دیگر، وجه تشابه آن‌ها هدف آن‌ها است. کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل یک معاهده بین‌المللی حقوق بشر است که هدف آن ترویج، حمایت و تضمین برخورداری کامل و برابر از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد دارای معلولیت در تمامی کشورهای جهان است و قانون حمایت از معلولان در ایران نیز همین هدف مشابه را دنبال می‌کند، اما در چهارچوب حقوقی و فرهنگی خاص ایران؛ دومین وجه تفاوت دو سند حقوقی مذکور، چهارچوب قانونی برای وضع قوانین مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت است. به عبارت دقیق‌تر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد

بر اساس سنت‌های قانونی، زمینه فرهنگی و شرایط اجتماعی-اقتصادی هر حوزه قضایی متفاوت باشد. این دو سند حقوقی علیرغم دارا بودن وجوه اشتراک در برخی مفاد کلیدی در بسیاری از مفاد دارای تفاوت‌های اساسی هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

تقریباً تمامی حقوقی که به نوعی در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به آن‌ها اشاره شده، از نوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. به عبارت دیگر، حقوق بنیادینی که در زمره حقوق مدنی و سیاسی محسوب می‌شوند و برخی از آن‌ها برای مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد دارای معلولیت بسیار حائز اهمیت هستند، در قانون جامع هیچ محلی از اعراب ندارند. همچنین گروه‌های خاصی نظیر زنان و کودکان دارای معلولیت که از گروه‌های آسیب‌پذیر و به شدت در معرض تبعیض محسوب می‌شوند و نیازمند حمایت ویژه هستند، به هیچ وجه در قانون مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این در حالی است که کنوانسیون بین‌المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت، مکرراً بر حمایت از این گروه‌ها تأکید کرده و مواد ۶ و ۷ خود را به ترتیب به زنان و کودکان معلول اختصاص داده است (۱۶).

یکی دیگر از مهم‌ترین حقوقی که در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران از آن نادیده گرفته شده است «حق تشکل» و نیز حق مشارکت اشخاص دارای معلولیت در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی است که به نوعی زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در حالی است که ماده ۴ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت در مقام بیان تعهدات کلی دولت‌های عضو در بند ۳ خود دولت‌ها را متعهد می‌سازد که سازمان‌های نماینده افراد معلول را در روند اجرای کنوانسیون و نیز در سایر تصمیم‌گیری‌های مربوط به آنان، مورد مشورت قرار داده و زمینه دخالت فعال آنان را فراهم سازند. همچنین ماده ۲۹ کنوانسیون دولت‌ها را موظف می‌کند که علاوه بر زمینه‌سازی مشارکت افراد معلول در تشکل‌ها و سازمان‌های غیر دولتی خاص خود، این امکان را فراهم سازند که این افراد، بدون اعمال هرگونه تبعیض، در سایر تشکل‌های سیاسی و اجتماعی در کنار افراد عادی عضویت یافته و به

دارای معلولیت سازمان ملل چهارچوبی جامع برای حمایت و ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت در جنبه‌های مختلف زندگی، از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌کند و تمام کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا تدابیر و اقدامات قانونی، اداری و سایر موارد را برای اجرای اصول و مفاد آن اتخاذ کنند، اما قانون حمایت از معلولان در ایران، قوانین خاصی است که توسط دولت ایران برای رسیدگی به حقوق و نیازهای افراد دارای معلولیت در نظام حقوقی کشور وضع شده است. علاوه بر این، کشورهای امضاکننده کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل از نظر قانونی موظفند قوانین و سیاست‌های داخلی خود را با اصول و مفاد کنوانسیون هماهنگ کنند که این مسأله شامل اجرای تدابیر خاص برای حمایت و ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت و ایجاد مکانیسم‌های اجرایی است، اما در ایران، قانون حمایت معلولان، تعهدات قانونی را برای مراجع و نهادهای ذی‌ربط در داخل کشور برای حفظ حقوق افراد دارای معلولیت تحمیل می‌کند. وجه تشابه کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون حمایت معلولان در زمینه چهارچوب حقوقی، مبنای حقوقی آن‌ها است. به عبارت دیگر، هر دو سند بر پایه اصول حقوق بشری تدوین شده‌اند و تأکید دارند که افراد دارای معلولیت حقوق اساسی و انسانی دارند که باید تضمین شود. دیگر وجه تشابه آن‌ها در این زمینه، ایجاد تعهدات دولتی است. هر دو سند دولت‌ها را ملزم می‌کنند که تعهدات خود را در زمینه حمایت و تضمین حقوق معلولان انجام دهند و تدابیر و سیاست‌های مناسب برای این منظور اتخاذ کنند.

وجه دیگر تشابه و تفاوت دو سند حقوقی مذکور مفاد کلیدی آن‌ها است که هرچند در این زمینه بیشترین وجه تشابه را با یکدیگر دارند، اما دارای تفاوت‌هایی نیز هستند. هم کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و هم قانون حمایت از معلولان در ایران شامل دسترسی (اعم از دسترسی فیزیکی، دیجیتال، ارتباطی، حمل و نقل)، آموزش، اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی و مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی هستند، اما ویژگی‌های این مقررات ممکن است بین دو سند

فعالیت بپردازند (۱۶). علاوه بر این، حقوق سیاسی افراد معلول نیز به شدت مورد بی‌توجهی قانون جامع واقع شده است و هیچ ماده و تبصره‌ای برای حمایت از آزادی انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن این افراد در قانون جامع وجود ندارد، بلکه در مقابل، بر طبق ماده ۲۸ قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران، افراد نابینا نمی‌توانند برای تصدی نمایندگی مجلس نامزد شوند.

موضوع دیگری که در قانون جامع حمایت از معلولان نادیده گرفته شده است، آگاهی بخشی است. لزوم آگاهی‌بخشی در دو سطح کاملاً محسوس است: نخست افزایش سطح آگاهی خود اشخاص دارای معلولیت در خصوص حقوق و قابلیت‌های آن‌ها؛ دوم افزایش آگاهی عمومی نسبت به معلولیت و نیازها و توانمندی‌های این افراد و میزان مشارکت آن‌ها در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی. عدم توجه به مسأله آگاهی‌بخشی در قانون حمایت از معلولان در حالی است که کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت در ماده ۸ خود به تفصیل مسأله آگاهی‌بخشی را مورد بحث قرار داده و تعهداتی را در این زمینه بر عهده دولت‌های عضو نهاده است.

مکانیسم اجرایی در هر دو سند حقوقی از دیگر وجوه تشابه و تفاوت آن‌ها است. در زمینه مکانیسم‌های اجرایی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون حمایت از معلولان در ایران از سه جنبه دارای وجه اشتراک هستند: اول اینکه، در هر دو سند حقوقی یکی از مکانیسم‌های اجرایی، گزارش‌دهی است، هر دو سند از دولت‌ها می‌خواهند تا گزارش‌های دوره‌ای ارائه کنند که شامل پیشرفت‌ها، چالش‌ها و تدابیر انجام‌شده در زمینه حقوق معلولان باشد، این گزارش‌ها به سازمان‌های بین‌المللی ارسال می‌شود؛ دومین وجه اشتراک آن‌ها در این زمینه، تشکیل سازمان‌ها و مراکز ویژه است. هر دو سند حقوقی تأکید دارند که دولت‌ها باید سازمان‌ها و مراکز ویژه‌ای را برای اجرای مفاد قانون ایجاد کنند که به حقوق معلولان پرداخته و از آن‌ها حمایت کنند؛ سومین وجه اشتراک آن‌ها در زمینه مکانیسم‌های اجرایی تأکید بر مشارکت افراد دارای معلولیت است. هر دو قانون به

تأکید بر مشارکت فعال افراد دارای معلولیت در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها اشاره دارند و از دولت‌ها می‌خواهند تا این مشارکت را تسهیل کنند. این دو سند حقوقی علیرغم این وجه اشتراک در زمینه مکانیسم‌های اجرایی، وجه تفاوت عمده‌ای با یکدیگر دارند. کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل برای اتخاذ تدابیری جهت اجرای برنامه‌ها و اهداف خود، به گزارش دوره‌ای که توسط کشورهای عضو به کمیته حقوق افراد دارای معلولیت ارائه می‌شود، متکی است، اما قانون حمایت از معلولان در ایران به نهادهای دولتی متکی است. دیگر وجه تفاوت در این زمینه بازوی اجرایی است. بازوی اجرایی کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل، دولت‌های عضو این کنوانسیون هستند. به عبارت دیگر، این کشورهای امضاکننده را تشویق می‌کند تا نقاط کانونی ملی یا سازوکارهای هماهنگی مسئول نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون را ایجاد کنند. این مکانیسم‌های اجرایی اغلب سازمان‌های دولتی، نهادهای ملی حقوق بشر، نهادهای جامعه مدنی و خود افراد دارای معلولیت را شامل می‌شود، اما مکانیسم‌های اجرایی قانون حمایت از معلولان در ایران شامل سازمان‌های دولتی مسئول در امور معلولان، مانند سازمان بهزیستی کشور و همچنین وزارتخانه‌های مربوطه (مانند وزارت کار، رفاه و تعاون اجتماعی)، مقامات محلی و سازمان‌های غیر دولتی است. علاوه بر این، کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل مکانیسم‌های اجرایی خاصی خود را ندارد و برای اطمینان از رعایت مفاد خود به نظام‌های حقوقی ملی و مکانیسم‌های پاسخگویی متکی است، اما قانون حمایت از معلولان در ایران دارای مکانیسم‌های اجرایی خاصی شامل راهکارهای اداری، مراجعات قضایی و سایر مکانیسم‌های قانونی در دسترس افراد دارای معلولیت برای جبران نقض حقوق خود است.

دیگر وجه تفاوت دو سند حقوقی مذکور، تأثیرات بین‌المللی آن‌ها است. کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل نقش مهمی در تعیین هنجارها و استانداردهای

جهانی برای حمایت و ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت دارد. با تصویب کنوانسیون، دولت‌ها متعهد می‌شوند که قوانین و سیاست‌های داخلی خود را با این استانداردهای بین‌المللی هماهنگ کنند. همچنین کنوانسیون به عنوان یک نقطه مرجع برای سیاست‌گذاران، قانونگذاران، قضات و سازمان‌ها و گروه‌هایی است که در زمینه مسائل مربوط به حقوق معلولان در سراسر جهان فعالیت می‌کنند. اصول و مقررات آن بر توسعه قوانین ملی و مقررات مربوط به حقوق معلولیت تأثیرگذار است. علاوه بر این، معاهدات بین‌المللی حقوق بشر مانند کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت چهارچوبی را برای فشار همتایان و پاسخگویی در میان کشورهای عضو ایجاد می‌کند. از طریق مکانیسم‌هایی مانند نهادهای نظارت بر معاهده و فرآیندهای بازنگری همتا، دولت‌ها در قبال اجرای تعهدات خود در معاهده پاسخگو هستند. وجود هنجارها و استانداردهای بین‌المللی، زمینه‌ای را برای سازمان‌های جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر و افراد فراهم می‌کند تا دولت‌ها را در قبال اقدامات (یا بی‌عملی) خود در رابطه با حقوق معلولان پاسخگو بدانند. این فرایند می‌تواند شامل وکالت، دادخواهی و کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی با هدف اطمینان از انطباق با استانداردهای بین‌المللی باشد.

جهانی برای حمایت و ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت دارد. با تصویب کنوانسیون، دولت‌ها متعهد می‌شوند که قوانین و سیاست‌های داخلی خود را با این استانداردهای بین‌المللی هماهنگ کنند. همچنین کنوانسیون به عنوان یک نقطه مرجع برای سیاست‌گذاران، قانونگذاران، قضات و سازمان‌ها و گروه‌هایی است که در زمینه مسائل مربوط به حقوق معلولان در سراسر جهان فعالیت می‌کنند. اصول و مقررات آن بر توسعه قوانین ملی و مقررات مربوط به حقوق معلولیت تأثیرگذار است. علاوه بر این، معاهدات بین‌المللی حقوق بشر مانند کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت چهارچوبی را برای فشار همتایان و پاسخگویی در میان کشورهای عضو ایجاد می‌کند. از طریق مکانیسم‌هایی مانند نهادهای نظارت بر معاهده و فرآیندهای بازنگری همتا، دولت‌ها در قبال اجرای تعهدات خود در معاهده پاسخگو هستند. وجود هنجارها و استانداردهای بین‌المللی، زمینه‌ای را برای سازمان‌های جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر و افراد فراهم می‌کند تا دولت‌ها را در قبال اقدامات (یا بی‌عملی) خود در رابطه با حقوق معلولان پاسخگو بدانند. این فرایند می‌تواند شامل وکالت، دادخواهی و کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی با هدف اطمینان از انطباق با استانداردهای بین‌المللی باشد.

کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت همکاری بین‌المللی و تبادل بهترین روش‌ها در زمینه حقوق معلولان را ترویج می‌کند. کشورهای عضو تشویق می‌شوند تا تجربیات خود و رویکردهای نوآورانه را برای حل به مشکلات مشترک به اشتراک بگذارند. کنوانسیون همچنین با برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها و انجمن‌های بین‌المللی فرصت‌هایی را برای ذی‌نفعان کشورهای مختلف فراهم می‌کند تا به تبادل نظر، همکاری در طرح‌های مشترک و ایجاد شبکه‌هایی برای اقدام جمعی در مورد مسائل مربوط به حقوق معلولان بپردازند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش که منتج از مقایسه کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت با قانون جامع حمایت از معلولان هستند، به اختصار عبارتند از:

- شکاف بین چهارچوب قانونی و اجرای عملی: یکی از مهم‌ترین یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه قوانین حمایتی برای معلولان در ایران تصویب شده، اما اجرای عملی این قوانین به طور کامل انجام نمی‌شود و این موضوع باعث ایجاد شکاف عمیقی بین چهارچوب قانونی و اجرای عملی شده است.

- تأمین منابع مالی کافی: در قانون حمایت از حقوق معلولان ایران منابع مالی و اعتبارات لازم برای حل مشکلات مربوط به استخدام و اشتغال افراد دارای معلولیت پیش‌بینی نشده است که این امر یکی از خلأهای قانونی مهم به شمار می‌آید.

- لزوم بازنگری و تصویب قوانین جدید: پژوهش نشان می‌دهد که وجود خلأهای قانونی متعدد در قانون جامع حمایت از معلولان نیازمند تجدید نظر و تصویب قوانین جامع‌تر و مطابق با استانداردهای بین‌المللی است. همچنین استفاده از نظرات نهادها و تشکل‌های فعال در حوزه معلولان برای بهبود قوانین ضروری است.

- لزوم تقویت سازوکارهای اجرایی و نظارتی، ارتقای آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی.

- عدم تعهد به برخی مفاد کلیدی کنوانسیون بین‌المللی: قانون حمایت از معلولان در ایران برخی از مفاد کلیدی کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل را نادیده گرفته است. به عنوان مثال، حقوق سیاسی افراد معلول، حق تشکیل و مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در قانون جامع ایران به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است.

چنین تأثیرات بین‌المللی است. این موضوع نشان می‌دهد که قانون ایران باید به گونه‌ای اصلاح شود که با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ باشد و بتواند تأثیرات مثبتی در سطح جهانی داشته باشد.

عدم توجه به نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی: در حالی که کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، مشارکت سازمان‌های جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی را در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها ترویج می‌کند، اما قانون حمایت از معلولان در ایران کمتر به این موضوع پرداخته است. این مسأله می‌تواند منجر به کمبود نظارت و پاسخگویی در زمینه حقوق معلولان شود و نیاز به تقویت نقش این سازمان‌ها در اجرای قوانین حمایتی وجود دارد.

بحث

بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت حقوق افراد دارای معلولیت در ایران، لازم است اصلاحات قانونی در راستای تطابق با استانداردهای بین‌المللی انجام شود، منابع مالی کافی برای اجرای قوانین تخصیص یابد، نظارت بر اجرای قوانین تقویت گردد و نقش سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت افزایش یابد. تنها از طریق این اقدامات می‌توان به تحقق واقعی حقوق افراد دارای معلولیت و ارتقای سطح زندگی آنان در جامعه امیدوار بود.

بررسی تطبیقی قانون حمایت از معلولان در ایران و کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت نشان می‌دهد که صرف تصویب قوانین حمایتی، بدون ایجاد بسترهای اجرایی و نظارتی کارآمد، نمی‌تواند به تحقق عملی حقوق افراد دارای معلولیت منجر شود. یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه، نحوه تبدیل تعهدات قانونی به سیاست‌های اجرایی مؤثر است، به‌گونه‌ای که بتواند تأثیر ملموسی بر بهبود وضعیت زندگی افراد دارای معلولیت داشته باشد. علاوه بر این، تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که مشارکت نهادهای مدنی، آگاهی‌بخشی عمومی، و تخصیص

- تمرکز بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: بیشتر حقوق مطرح‌شده در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران از نوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. این در حالی است که حقوق بنیادینی مانند حقوق مدنی و سیاسی که برای مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد دارای معلولیت بسیار حائز اهمیت هستند، در این قانون مغفول مانده‌اند.

- عدم توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر: گروه‌های خاصی نظیر زنان و کودکان دارای معلولیت که از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض محسوب می‌شوند، در قانون حمایت از معلولان در ایران به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این در حالی است که کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت به طور ویژه بر حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر تأکید دارد.

- مکانیسم‌های آگاهی‌بخشی: قانون حمایت از معلولان در ایران توجه کافی به آگاهی‌بخشی در دو سطح افزایش سطح آگاهی خود افراد معلول و افزایش آگاهی عمومی نسبت به نیازها و توانمندی‌های این افراد ندارد. این در حالی است که کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت بر لزوم آگاهی‌بخشی عمومی تأکید دارد و تعهداتی را در این زمینه بر عهده دولت‌ها می‌گذارد.

- ضعف در مکانیسم‌های اجرایی داخلی: در حالی که کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل، کشورهای عضو را به ایجاد نقاط کانونی ملی یا سازوکارهای هماهنگی برای نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون تشویق می‌کند، اما قانون حمایت از معلولان در ایران بیشتر به نهادهای دولتی متکی است و مکانیسم‌های اجرایی مشخصی برای اطمینان از رعایت حقوق معلولان ندارد. این موضوع نشان می‌دهد که نیاز به تقویت مکانیسم‌های اجرایی داخلی وجود دارد تا حقوق معلولان به صورت مؤثرتر تضمین شود.

- تأثیر محدود بین‌المللی قانون حمایت از معلولان در ایران: برخلاف کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت که نقش مهمی در تعیین هنجارها و استانداردهای جهانی دارد و می‌تواند به افزایش جایگاه یک کشور در جامعه بین‌المللی کمک کند، قانون حمایت از معلولان در ایران عمدتاً فاقد

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله تحلیل مقایسه‌ای کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل و قانون جامع حمایت از معلولان بود. یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در قالب دو جدول ذیل مشاهده کرد.

منابع مالی پایدار، نقش کلیدی در موفقیت سیاست‌های حمایت از معلولان ایفا می‌کند. از این رو، ضروری است که در کنار اصلاح قوانین، بر تقویت ساختارهای اجرایی و ایجاد فرهنگ حقوقی در جامعه نیز تمرکز شود تا سیاست‌های حمایتی از مرحله تصویب به مرحله اجرا و اثرگذاری اجتماعی برسند.

جدول ۱: وجوه تشابه و تفاوت کنوانسیون بین‌المللی و قانون جامع

مورد مقایسه	وجوه تشابه	وجوه تفاوت
کنوانسیون بین‌المللی حقوق قانون جامع	هدف، نظام حقوقی، مفاد کلیدی، پیش‌بینی مکانیسم‌های اجرایی	دامنه، نظام حقوقی، مفاد کلیدی، تفاوت در مکانیسم‌های اجرایی، تأثیرات بین‌المللی

جدول ۲: وجوه تفاوت کنوانسیون بین‌المللی و قانون جامع

مورد مقایسه	مفاد کلیدی	تفاوت
کنوانسیون بین‌المللی	توجه به حقوق مدنی و سیاسی و حمایت از گروه‌های خاصی مانند زنان و کودکان معلول	اتکا به گزارش دوره‌ای کشورهای عضو، بازوی اجرایی سازمان ملل و کشورهای عضو
قانون جامع	نظام حقوق داخلی و عدم ضمانت اجرای کافی	اتکا به نهادهای دولتی، بازوی اجرایی سازمان‌ها و نهادهای داخلی

- عدم وجود یک قانون کلی که اعمال هرگونه تبعیض بر مبنای معلولیت را از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی در هر دو عرصه حقوق خصوصی و عمومی غیر قانونی اعلام نماید.

- عدم توجه به حقوق مدنی و سیاسی افراد دارای معلولیت که مانع مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها شده است.

- عدم توجه به گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر مانند زنان و کودکان دارای معلولیت.

- عدم توجه به نهادهای و تشکل‌های حافظ منافع افراد دارای معلولیت و نقش و کارکرد آن‌ها در تأمین حقوق معلولان.

مقایسه قانون جامع حمایت از حقوق در معلولان ایران با حقوق پیش‌بینی شده در کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت روشن می‌سازد که قانون جامع معلولان، هرچند در نوع خود اقدام مهم و ارزشمندی در راستای اعتلای حقوق افراد دارای معلولیت در ایران محسوب می‌شود، اما در بسیاری از موارد نیازمند اصلاح و تجدید نظر کلی است. بر اساس یافته‌های پژوهش مهم‌ترین خلأهایی که در قانون جامع حمایت از معلولان وجود دارد و نیازمند بازنگری است به شرح ذیل است:

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

- عدم پیش‌بینی مکانیسم‌های اجرائی و نظارتی مجزا و منطبق با معیارهای بین‌المللی.

- عدم توجه به مسأله آگاهی‌بخشی یا به عبارت دقیق‌تر فرهنگ‌سازی در رابطه با حقوق افراد دارای معلولیت در هر دو حوزه عمومی و خصوصی.

- عدم تأمین منابع مالی و اختصاص منابع اعتباری برای حل مشکلات مربوط به استخدام و اشتغال افراد دارای معلولیت.

- وجود شکاف عظیم بین چهارچوب قانونی و اجرای عملی قانون جامع حمایت از معلولان.

موارد فوق‌الذاهایی است که از یافته‌های جدید پژوهش حاضر منتج شده و پژوهش‌های دیگری که در رابطه با قانون جامع حمایت از معلولان انجام شده و همچنین پژوهش‌های بعدی در این زمینه می‌تواند بسیاری دیگر از خلأهای قانونی موجود در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را مشخص نماید. بنابراین وجود خلأهای قانونی متعدد در قانون جامع حمایت از معلولان تجدید نظر در این قانون و همچنین سایر قوانین و مقررات مغایر با کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. از این رو تصویب قانون جدیدی در رابطه با حقوق معلولان که از «جامعیت» بیشتری برخوردار باشد و همچنین نظرات و دیدگاه‌های نهادها و تشکل‌های فعال در حوزه معلولان را دربر گیرد، ضروری به نظر می‌رسد. امید است که مراجع ذی‌ربط نسبت به بازنگری در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان اقدام کنند و در انجام این کار از نتایج پژوهش‌های علمی انجام‌شده، نظرات معلولان و نمایندگان آن‌ها و کارشناسان و فعالین این حوزه استفاده کنند.

مشارکت نویسندگان

قدرت‌الله نوروزی: ارائه ایده و نگارش مقاله، نظارت بر مقاله.

علی عباسی: ارائه ایده و نگارش مقاله، گردآوری منابع، جمع‌آوری اطلاعات.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

References

1. Mousazadeh E. Positive Discrimination as a Supportive Basis for Ensuring the Rights of Persons with Disabilities; A Comparative Examination of Domestic and International Legal Measures. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*. 2023; 10(4): 135-154. [Persian]
2. Noori F, Tadayyon A, Yousefian B. A Look at the Right to Health and the Special Rights of Certain Groups in the Field of International Humanitarianism with an Emphasis on the Disabled and Vulnerable People. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e41. [Persian]
3. Hasanabadi M, Parsa E. Civil Sanctions Implementation of the Rights of People with Disabilities in Iranian Legal System and Providing a Desirable Model. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e56. [Persian]
4. Kousari M. *Method and Theory in political science*. Tehran: Samat Publication; 2018. p.246-254. [Persian]
5. Ragin CH. *The Comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies*. California: University of California Press; 1987. p.48-49.
6. Sotudekar M. Comparative politics with theorizing dimensions: Historical approaches and correlation in theory building. *Law and Political Science*. 1994; 5(29): 135-158. [Persian]
7. Ramazani MH. Supporting the disabled in international law. *Social Welfare Quarterly*. 2011; 11(41): 307-341. [Persian]
8. Moradzadeh M, Daneshi M, Moghadami N, Mihankhah S. *International convention on the rights of disabled people and its implementation in Iran*. Tehran: Shahre Danesh Publication; 2016. p.11-56. [Persian]
9. Ramazani MH. Supporting the disabled in international law. *Social Welfare Quarterly*. 2011; 11(41): 307-341. [Persian]
10. Parvin KH, Arefi M. A Comparative Study of Positive Discrimination in the Employment of Persons with Disabilities in Iranian, American and Indian Law. *Jornal of Eslamic Human Rights*. 2022; 11(4): 7-31. [Persian]
11. Bakhtar A. *The rights of the disabled in Iran's laws*. Tehran: Jangal Publication; 2008. p.15-22. [Persian]
12. Bakhtar A. *The rights of the disabled in Iran's laws*. Tehran: Jangal Publication; 2008. p.47-55. [Persian]
13. Saeedi F, Zakerian M. Establishing Supportive Laws for People with Disabilities in the Light of the Adoption of Guidance, Monitoring and Supportive Methods and International Documents. *Journal of Disability Studies*. 2018; 116(8): 1-9. [Persian]
14. Parvin KH, Arefi M. A Comparative Study of Positive Discrimination in the Employment of Persons with Disabilities in Iranian, American and Indian Law. *Jornal of Eslamic Human Rights*. 2022; 11(4): 7-31. [Persian]
15. Ghanizadeh Bafghi M. The Best Interests of Children with Disabilities in the Light of Iranian Laws and International Instruments. *Comparative Law Review*. 2019; 10(2): 597-616. [Persian]
16. Yoosefian E. Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons in the light of Regulations of Convention on the Rights of Persons with Disabilities. *Journal of Legal Research*. 2008; 13(7): 209-219. [Persian]